

# زنان

سخن دبیر

دنیای وارونه  
معروف و منکر

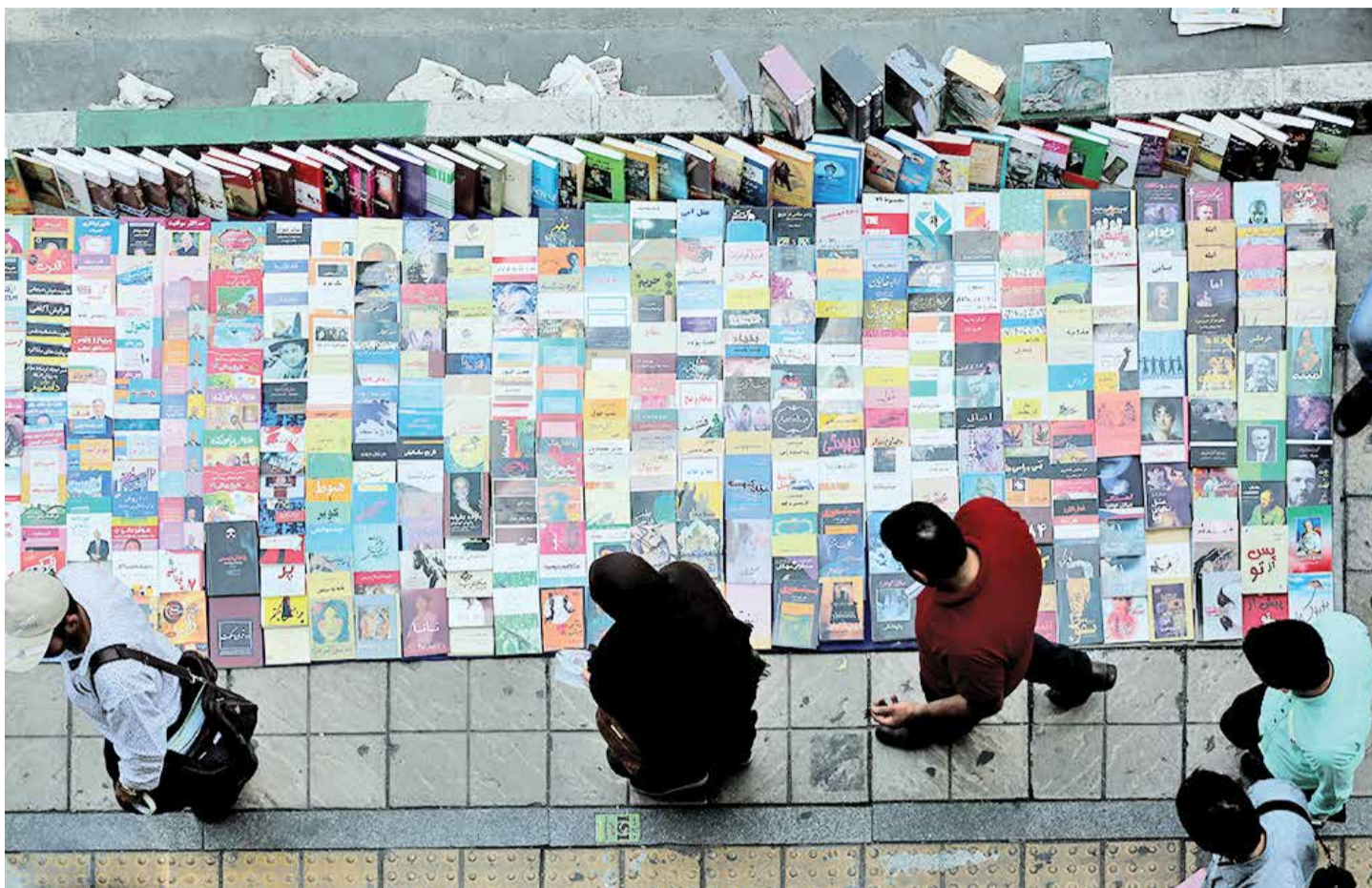
عطیه کشتکاران

دبیر گروه زنان

Atiye.keshtkaran@gmail.com

گاهی عبارت و جمله‌ای متر و معیار بسیاری از افکار پراکنده می‌شود. همان افکاری که هنوز طبقه‌بندی نشده‌اند و جایشان را در میان سایر افکار نیافته‌اند، مثل کتاب‌های تازه‌ای که از نمایشگاه خریدهای در قفسه جا ندادهای بی‌خانمان هستند و تا در ردیف مربوط به خودشان آرام نگیرند ارزش خود را نشان نمی‌دهند. یکی از این تلنگرهایی که سال‌ها به کمک من آمد تا بعضی گفتارها و کردارها را بسنجم «توجه به تعریف معروف» بود. در علم منطق تعریف‌ها با حد و رسم‌های تام و ناقص خود را نشان می‌دهند، اما اگر سرمان را از کتاب بلند کنیم و جامعه اطرافمان را بنگریم تعریف را هم جور دیگری می‌بینیم. «معروف» در جامعه یعنی آنچه به طرز مقبولی عرف و خوشایند است. اختلاف نظر زیادی درباره پسندیده بودن آن وجود ندارد و از چشمه دین یا عرف یا تغییر تدریجی فرهنگ یا هر منشأ دیگری خودش را در میان ما جا انداخته. خوش‌رویی به صورت عام «معروف» است و بدخلقی «منکر». راستگویی پسندیده است و ظلم نكوهیده. با فهم عمومی معنی «معروف» این است، اما وقتی پسوندی به آن افزوده می‌شود و در قالب عبارت دینی «امر به معروف» قرار می‌گیرد ناگهان معروف کتابی، معروف خدا و پیغمبری، به ذهن می‌آید و شکاف معنایی و در نتیجه مصداقی رخ می‌دهد. این معنای معروف را از یکی از سخنرانی‌های آیت‌الله حائری شیرازی به یاد دارم که همیشه با من مانده. ما در پوشش «امر به معروف» به چیزی امر می‌کنیم که «معروف» بودنش از جامعه دور شده. از سوی دیگر چیزهایی را که قاعدتاً باید «منکر» باشند گرامی می‌داریم!

نمی‌خواهم به اولین مثالی که به ذهن می‌رسد اشاره کنم. سر وقت مثال دیگری برویم. اکثر زنان جامعه ما یا شغل اولشان خانه‌داری و مادری است یا شغل دوم. کمتر زنی می‌تواند خود را از این نقش جدا کند. به نظر می‌رسد سیاست‌ها بر آن است که خانه‌داری را تکریم کند، اما در عمل فرسنگ‌ها دور است از آن. وقتی خانه‌داری توأم با بیکاری و بی‌سوادی زن دانسته می‌شود، وقتی زن خانه‌دار را به چشم مصرف‌کننده صرف ببینیم نه فردی که به اقتصاد خانواده کمک می‌کند، هزارم که بودجه و مصوبه در تکریم خانه‌داری مهر امضا کنیم باز هم نتوانسته‌ایم آن را در جامعه به «معروف» تبدیل کنیم. از سوی دیگر هنگامی که می‌بینیم دورویی در جامعه به زبان نكوهیده می‌شود، ولی در عمل افراد چرب‌زبان و منافق به موقعیت‌های بالاتری دست پیدا می‌کنند یعنی اساساً آن را به «منکر» تبدیل نکرده‌ایم که حالا بخواهیم دیگران را از آن باز داریم. تعریف خشت اول هستند. امر به رفتاری که هنوز «معروف» نشده خالی از معناست و نهی از فعلی که «منکر» بودنش در عمل روشن نشده به سخره گرفتن خودمان است.



## همه چیز زیر سر خودت است!

جایگزینی روانشناسی به جای اخلاق در کتب خودیاری

تأثیر قرار داده است، سبب شده تا سرمایه‌داران از این نیاز به سود خود بهره‌جسته و زن را که به گفته شهید مطهری معنوی‌تر و مذهبی‌تر است، باز بچه امیال سرمایه‌سالارانه خود کنند. در چنین بازار مکاره‌ای است که مفهوم دینی کمال با مفهوم دنیایی موفقیت جایگزین شده و تب خرید کتب انگیزشی به عنوان یک پاسخ انحرافی به یک نیاز فطری بالا گرفته است.

دختران جوان و نوجوانی که بهترین سال‌های عمرشان را می‌توانند صرف تکمیل و تعالی مکارم اخلاقی کنند، آن را پای حرف‌های تقلبی مشتری افراد سرمایه‌دار هزینه می‌کنند که بدون نظر گرفتن تفاوت‌های فردی برای همه یک نسخه کلی می‌پیچند. البته با دست‌فرمان برخی از این کتاب‌ها ممکن است فرد در خوشبینانه‌ترین حالت به صلح با خود و نقص‌هایشان برسد که پذیرش خود اگر پله تعالی انسان نشود و تبدیل به مجالی برای کنار آمدن با ضعف‌ها و نقص‌های اخلاقی گردد، ره به ترکستان است. دخترانی که نقش‌شان به فرموده رهبر انقلاب «حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است... و گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است.»

فارغ از آسیب معنوی، پیش فرض غالب و البته غلط این کتاب‌ها که «فقط خودت مسئول مشکلات خود هستی!» فرد را به این نتیجه می‌رساند که نه جامعه نقشی در مشکلات او دارد و نه او مسئولیتی در قبال مشکلات جامعه دارد. وقتی چنین تفکری مبتنی بر فرهنگ فردگرایی غربی در ذهن زنان و دختران جوان جامعه ایرانی شکل بگیرد که آفق آرمانی‌اش تمدن‌سازی اسلامی است، می‌تواند نیمی از جمعیت فعال و تأثیرگذار را به انفعال در برابر اصلاح‌ساختارهای فرهنگی جامعه بکشانند. نیمی که به تعبیر رهبر انقلاب «تأثیر این نیم وقتی بخواهند در سر نوشت دخالت کنند، بیش از تأثیر نیمی از کل جمعیت در سر نوشت است.» معنای این جمله را با این فرمایش امام خمینی (ره) که «بانوان، رهبر نهضت ما هستند، ما دنباله آنها هستیم... صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد» بهتر می‌توان درک کرد. بنابراین در یک جمله می‌توان گفت ترویج این کتاب‌ها در خدمت تداوم حیات نظام طبقاتی سرمایه‌داری است که بیشترین ظلم را در حق انسانیت و پس از آن در حق زنان روا داشته است.



**دختران جوان و نوجوانی که بهترین سال‌های عمرشان را می‌توانند صرف تکمیل و تعالی مکارم اخلاقی کنند، آن را پای حرف‌های تقلبی مشتری افراد سرمایه‌دار هزینه می‌کنند که بدون نظر گرفتن تفاوت‌های فردی برای همه یک نسخه کلی می‌پیچند**



مریم اردویی

طبله سطح سه رشته مطالعات اسلامی زنان

این روزها وقتی رو به روی ویتترین برخی کتابفروشی‌ها می‌ایستم یا از کنار یک کتابفروشی سیار که گوشه یک مکان عمومی بساط کرده است عبور می‌کنم، عمده کتاب‌هایی که خودنمایی می‌کنند کتاب‌هایی با عناوینی جذاب هستند که همه‌شان قرار است آدم‌ها را موفق، پول‌دار و خوشبخت کنند. برخی از این کتاب‌ها روایت زندگی مردان پیر و ثروتمندی است که از مسیر پول‌دار شدنشان می‌گویند و تلاش دارند بگویند «سنگ‌فرش هر خیابان از طلاست» یا با ارائه آموخته‌ها و دستورالعمل‌های یک مرد پول‌دار که به موفقیت رسیده از فواید پنج صبح بیدار شدن می‌گویند و بر آموزه و ضرب‌المثل قدیمی «سحرخیز باش تا کامروا شوی.» کتاب شرحی نوشته‌اند و به خلق الله می‌فروشند. گاهی هم کتاب را یک زن ثروتمند نوشته تا به دختر امروز بگوید تو با تمام نقص‌هایی که داری «خودت باش». تمام این کتاب‌ها را اگر بخواهیم ذیل یک موضوع جای دهیم، آن موضوع، «روانشناسی زرد» و «خودیاری» است. نشر، گسترش و اقبال به چنین کتاب‌هایی از ظهور انسان‌روان‌شناختی در عصر حاضر خبر می‌دهد که موج آن از غرب به کشور ما هم رسیده است؛ موجی که به تعبیر ویلیام گاردنر نویسنده کتاب «جنگ علیه خانواده»، معلول ظهور نسبی‌گرایی اخلاقی به صورت نظام اعتقادی است.

و می‌گوید: وقتی چنین نسبی‌گرایی اخلاقی در قالب یک نظام اعتقادی در جامعه غربی ظهور یافت، روان‌شناسی جایگزین اصول اخلاقی شد که این گسست اخلاقی دارای دو پیامد قطعی بود. از یک سو کنار گذاشتن اصول اخلاقی در آرای روان‌شناسی، نیاز انسان را به معنویت پایان نداد، بلکه این نیاز به شدت افزایش یافت و از سوی دیگر، این نیاز سبب ظهور مدعیانی به نام درمان‌گران یا نرخ‌های بسیار بالاشد تا مجموعه‌ای حیرت‌آور از درمان‌های گوناگون از روان‌درمانی تا تصوف شرقی را به فروش برسانند. ظهور چنین شرایطی که معلول زندگی در جهان شبکه‌ای و سرمایه‌زده امروزی است در کنار اشاعه مبانی اندیشه‌ای جنبش فمینیسم، بیشتر از دیگران زنان و دختران را تحت تأثیر قرار داده است. خلاصه‌مندی که جهان مدرن با آن روبه‌رو است و بیشتر از بقیه جنس زن را تحت



امر به رفتاری که هنوز «معروف» نشده خالی از معناست و نهی از فعلی که «منکر» بودنش در عمل روشن نشده به سخره گرفتن خودمان است